

مطالعه مورثی

وقف خاص

معرفی دو موقوفه از خوانسار

محبوبه خسروی



سند موقوفه حاج حبیب‌الله قودجانی*

ورای معنای لغوی و تعاریف فقهی وقف، مرکز آمار ایران در طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور وقف را چنین تعریف نموده است: وقف عبارت است از حبس عین مال و در راه خیر قرار دادن آن، این عمل با اجرای صیغه وقف تحقق می‌یابد. وقف ممکن است به صورت دائم یا موقت باشد که در آن مدت زمان حبس مال قید می‌شود.^۱ یکی از انواع وقف، وقف خاص است. وقف خاص عبارت است از: وقفی که اختصاص به افراد محصور داشته باشد، مانند وقف بر اولاد واقف نسلاً بعد نسل.^۲

موقوفه مرحوم حاج حبیب‌الله قودجانی به عنوان یک وقف خاص در طول بیش از یک قرن گذشته همواره مسائل و مشکلاتی همچون واقع شدن در مسیر جاده و عبور کانال فاضلاب داشته و در برخی از مقاطع نیز اداره اوقاف (قبل از پیروزی انقلاب اسلامی) در رویارویی با نظر علما مبنی بر وقف خاص بودن موقوفه، آن را وقف عام محسوب نمود و خواستار دخالت در آن شد که مراجع متولیان موقوفه به علما به ویژه مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی موجب حفظ موقوفه شده است. با این وجود متأسفانه بخشی از موقوفه در حدود سی و دو قفیز موقوفه تحت عنوان اجاره در سال ۱۳۳۶ توسط اشخاص تصاحب گردید و تا کنون متولیان موقوفه فوق نتوانسته‌اند آن را به حالت وقف بازگردانند و به مصارف مورد اشاره وقفنامه برسانند. امید است تا در پرتو عنایات حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام موقوفات تصاحب شده از تملک افراد خارج و به حالت وقف برگردد، ان‌شاءالله. ذکر این نکته ضروری است که قودجان یکی از آبادی‌های بسیار کهن شهرستان خوانسار بوده و آثار موجود در آن بیانگر قدمت بیش از هزار ساله آن است. وجود مقبره امامزادگان حلیمه و نرگس که سنگ قبر ایشان به خط کوفی و مربوط به اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم هجری است بیانگر این موضوع است. مسجد جامع قودجان که ان‌شاءالله وقفنامه آن تاریخ ۱۲۶۷هـ ق و مقبره علامه سیدابوالقاسم موسوی جعفری معروف به میرکبیر (متوفای ۱۱۵۸هـ ق و صاحب کتاب منابع المعارف و ده‌ها اثر دیگر) در این آبادی واقع است. با گسترش محدوده خدماتی شهر خوانسار، قودجان در سمت شمال و مجاور شهر واقع شده است.

* مرحوم حاج حبیب‌الله قودجانی فرزند احمد سلطان از بزرگان و خیرین و نیکوکاران آبادی قودجان در شهرستان خوانسار بود که بخشی قابل توجهی از اسلاک و فرش منزل خود را جهت روضه‌خوانی حضرت سیدالشهداء(ع) وقف نمود. ایشان در سال ۱۳۲۰ به رحمت حق پیوست و مجاور مقبره علامه میربیر به خاک سپرده شد.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواقف بضمائر العارفين والعارف بقلوب الواقفين و الصلوة والسلام على محمد و آله اجمعين. اما بعد؛ شكر و سپاس افزون از احاطه وهم و قیاس نثار دربار رحیمی است که به مقتضای رحمت شامله و اقتضای حکمت بالغه کامل مجازات اعمال صالحه را در طی کریمه «فمن يعمل مثقال ذرة خیراً یره»^۲ جلوه ظهور بخشید و اعفان شجره طیبه حسنات اعمال را بنماء ثمره «من جاء بالحسنة فله عشر امثالها»^۴ پرورش و نمایش داد و درود نامحدود به روان پاک واسطه ایجاد وجود که به قدم اخلاص و ارادت ساحت قرب حضرت معبود را چنان پیمود که جز قاب قوسین در میان نبود و صحیفه ولایتش را به توقیع رفیع رفیع «لولاک لما خلقت الافلاک»^۵ مسجل نمود و صلوات زاکیات و تسلیمات وافیات بر عترت اطهارش که به مفاد «انی تارک فیکم الثقلین ما ان تمسکتهم بهما لن تضلوا بعدی کتاب الله و عترتی»^۶ هادیان شریعت و سالکان مسالک ارشاد و هدایتند، لهذا چون توفیقات ربانی و تفضلات سبحانی شامل حال عالی حضرت ستوده سیرت فرخنده سریرت خیرالحاج و المعتمدین و زبده الاعیان و المعترین الحاج حبیب الله ابن مرحمت پناه جنت جایگاه احمد سلطان قودجانی گردید و تیقن ان کل دولة و اقبال و نعمه و اموال فان مصیرهما الی التغیر و الزوال «ان لیس للانسان الا ما سعی»^۷ فی تحسین الاعمال و تزیین الاقوال و جعل النص الجلی فی الکتاب المنزل علی النبی المرسل «الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله ثم لا یتبعون ما انفقوا متا و لا اذی لهم اجرهم عند ربهم»^۸ الی آخر الآیة امامه و بین یدیہ و نصب الاشارة الجلیة القادرة عن الحضرة النبویة و هی قوله صلی الله علیه و آله «اذا مات ابن آدم انقطع عمله الا عن ثلث منها صدقه جاریه نصب عینیہ لما اختار لاولاده الاحوط و اثر لهم الانفع الاغبط بنية حاضرة و طویة غیر فاترة ابتغاء لمرضات الله و رجاء لرحمة و ذخر الیوم الحساب»^۹ «یوم لا ینفع مال و لابنون الا من اتی الله بقلب سلیم»^{۱۰} فی حال لم یخطر بباله فی الاقدام بها ثواب السمعه و نواب الریا و الشهرة وقف صحیح مؤید شرعی و حبس صریح مخلد و دائمی نمود کافه و تمامی آنچه را که حین ضرور الوقف بلامنع مانعی و بلاشائبه مزاحمی در حیطة تصرف و تملک شرعی خود داشت از املاک و اشیای مفصله ذیل که عبارت است از همگی و تمامی پنج جریب^{۱۱} کامل مفروز مشتمل بر دو قطعه از زمین جاوان^{۱۲} که قطعه از آنها دو جریب است و محدود است از طرفی به زمین سرکار فیض آثار علامه العلماء الاعلام آقای حاج آقا حسین مدظله^{۱۳} و اخوان عظیم الشأن ایشان و از دو سمت به زمین وقفی مرحوم حاجی محمدباقر طاب ثراه^{۱۴} و از نحوی به

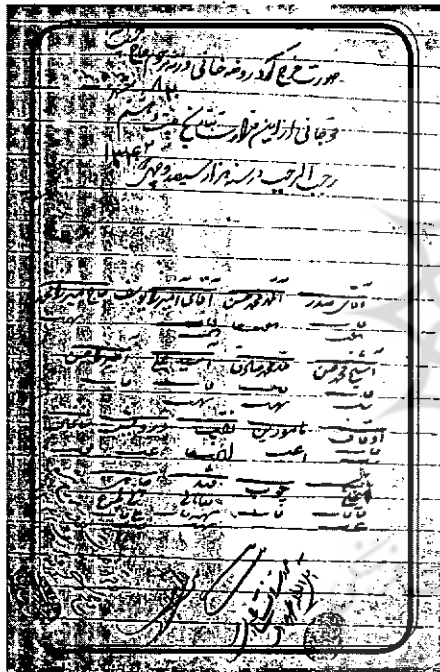
زمین سه جریب آتیه و قطعه دیگر سه جریب است و محدود است به زمین دو جریب مرقوم و از دو جانب به زمین وقفی مرحوم حاجی مزبور طاب مضجعه و از سمتی ایضا به زمین سرکار آقای سابق الذکر و اخوان سالف التعظیم ایشان به انضمام ممار و مداخل و شرب تابعه و مجاری و ما يتعلق بها شرعاً من دون استخراج شیء منها و تمامت یک جریب و دو قفیز^{۱۴} کامل از آب و املاک قریه قودجان از ملک مشهور به زمین مشایخ که کل قطعه باشد و محدود است از طرفی به شارع و از نحوی به زمین صدایقه زوجة آقا عباس آقا و از سمتی به زمین ورثه ذکری و از جانبی به زمین مشترکه فیما بین زوجة آقا عباس آقا و زوجة آقا احمد آقا مع ممار و مداخل و مجاری و شرب تابعه و کما يلحق بها فی غیر استخراج شیء منها و تمامی یک جریب و دو قفیز مشاع از کل دو قطعه باغچه معنب مشجر البعض و الحواشی که کل آن تقریباً دو جریب است واقعه در جنب عمارت واقف معزی الیه مشروبه قنات قریه که محدود است به عمارت واقف از جانبی و به عمارت ورثه مرحوم حاج حسین از جهتی و به زمین جناب مستطاب آقا میرزا اسدالله از نحوی و به زمین عالی حضرت حاجی حیدر آقا از حدی به انضمام اشجار مئمره و غیرمئمره و تاکات و جداران و ممر و مدخل و شرب تابعه و کل مایتعلق بها شرعاً و یضاف الیه عرفاً و مقدار دو جریب مشاع کامل از جمله زمین مشهور سه جریب واقع در صحرای دشت^{۱۵} تحت قنات قریه قودجان که محدود است از سمتی به زمین حاجی حیدر آقا و عالیجاه شوکت همراه محمد قلیخان یاور^{۱۶} و آقا زین العابدین و حاجی عبدالحسین و ورثه مرحوم آقامیرزا آقا به انضمام حق الشرب و مجاری و ممار و مداخل و غیرها من الاضافات الشرعیة و العرفیة و کلیه یک جریب کامل از کل شش جریب از املاک سربند تحت قنات قریه به انضمام شرب تابعه و مجاری و ممار و معابر و مسالک که محدود است از سه جانب به شارع و از جانب رابع به زمین آقا اسدالله آقارضا قودجانی غنیاً عن سایر الاوصاف و کافه یک جریب از جمله املاک مشهور به چم شیر که محدود است از طرفی به شارع و از جانبی به زمین ورثه حاجی محمداسمعیل و از جهتی به زمین سرکار محمد قلیخان یاور زیداجلاله و از نحوی به زمین حاجی حیدر آقا و آقا محمدباقر مع مجاری و ممار و مداخل و شرب تابعه و مایتصور فیها من دون استثناء شیء منها و تمامی هشت قفیز مشاع از کل یک قطعه زمین واقع در سربند تحت قنات قریه که کل قطعه مرقومه نه جریب و هشت قفیز است و محدود است از نحوی به شارع و از جانبی به زمین ورثه استاد محمدحسین و از سمتی به زمین زوجهای آقا احمد آقا و آقا عباس آقا و از جهتی به شارع و رودخانه ایضا به انضمام کافه ملحقات و منضمت شرعیه و عرفیه و شرب تابعه و مجاری المیاء و ممار و مداخل و غیر ذالک و مقدار شش قفیز کل یک قطعه باغچه مشهور به سربند تحت قنات قریه به انضمام اشجار مئمره و غیرمئمره و حق الشرب و جداران^{۱۷} و احجار مطروحه^{۱۸} و ممر و مدخل که سه طرف آن به شارع منتهی می شود و یک سمت آن به زمین محمدابراهیم الله بخش می رسد و صیغه شرعیه جاری و شرایط صحت و لزوم از قبض و اقباض شرعاً به عمل آمد. وقفاً صحیحاً شرعیاً و حبساً. مؤبداً مخلداً سمعیاً معتداً به فی نظر الشرع. معتبراً عند ارباب الاصل والفرع مستجمعاً للشرایط و ارکان خالیاً عن شوائب الخلل و الانفصال جامعة للشرایط. حاویاً بالاضوابط لا ترهن و لا توهب و لا تباع و لا تملك و لا تستبدل و لا تورث الی ان یرث الله الارض و من علیها و شرط. نمود واقف معزی الیه که از منافع و مداخل اشیاء و املاک. مفصله را همه ساله متولیان بعد از وضع مخارج و منال دیوانی و عشر. هر سالی مبلغ بیست و پنج. تومان رایج ایرانی الی سی تومان موصوف به مصرف تعزیه و روضه خوانی حضرت خامس آل عبا و سیدالشهداء علیه آلاف التحية و الثناء. برسانند به هر وصف که متولی و ناظر آن صلاح دانند. خواه در قریه قودجان و خواه در جای دیگر و عشر آن نیز حق ناظران معظم الیها بوده. باشد و زاید بر آن حق خود متولی خواهد بود و این جمله را قرار داد به استصواب و نظارت جنابان مستطابان عمدة لعلماء و الاعلام درة التاج و تاج الحاج حاج شیخ



محمدحسین الشهیر به حاج صدرالمشایخ خوانساری^{۱۹} و جناب زبده الاوتاد و الفضلاء آخوند ملا عبدالحسین ابن مرحمت پناه جنت جایگاه آخوند ملا محمدباقر خوانساری دام فیضهما بوده باشد و بعد از ایشان با اولاد ذکور ایشان نسلاً بعد نسل و طبقاً بعد طبق بالاستقلال که بدون اجازه معظمیها مجوز نخواهد بود و تولیت او را به نفس نفیس خود قرار داد.

مادام حیا و بعد از خود با دو نفر اولاد ذکور خود هما عالیشانان آقا احمد آقا و آقاعباس و بعد از ایشان با اولاد ایشان و اولاد ذکور ایشان نسلاً بعد نسل و طبقاً بعد طبق و بعد از انقراض با اولاد ذکور اولاد اناث و هکذا نسلاً بعد نسل و با انقراض با حکم شرع از هد و اتقی از اهل خوانسار و حرم الواقف علی کل احد من الخلق عامه ان يتعرض هذاالوقفیه او تزاحمهما او رام ابطالها بنسخ او فسخ او تأویل او تبدیل او تغییر فمن فعل ذالک ولو بکلمه فعلیه لعنة الله ولعنة لاعنین من

الملائكة والاناس اجمعین و ارباب هذاالصدقة و اهلوها خصمائیه بین یدی الحکم العدل یوما لا ینفع الضالمین معذرتهم و لهم اللعنة و لهم سوءالدار و قد عرض ذالک علی حکام الشرع من المسلمین نوافذ القضايا و الاحکام من المجتهدین و مسئل منهنم امضاء هذا الوقفیه و انفاذاها و الحکم بصدقة ما فی الکتاب فتأملوا فیها تأملاً ادى اجتهادهم الی صحة جمیع ذالک و لزومه قامضوا و حکموا بصدقه و وجوبه و الزومه الزموا الواقف موجب اقراره و اخرجوا الموقوف من یده حتی صارت الوقفیه مشتهرة ثم ردوة الیه بحکم التولية التي استقاها لنفسه و اشهد علیه الثقات و العدول و کان ذالک بتاريخ فی یوم الخمیس، الرابع من شر ذی القعدة الحرام من شهر سنه ۱۳۱۹ غشیط یک هزار و سیصد و نوزده قمری مطابق بیست و سوم تحویل شمس به برج دلوادوئیل^{۲۰} سنه ۱۲۸۰ یک هزار و دو بیست و هشتاد هجری شمسی «فمن بذله بعد ماسمعه فانما اثمه علی الذین یدلونہ»^{۲۱} توضیح آنکه یک دست فرش قالی پنج ذرعی که سه تیکه باشد، یک زوج کناره و یک فرد میان فرش به انضمام یک دست سماور بزرگ که تقریباً هفده گیروانگر^{۲۲} به انضمام یک جریب دیگر از دو قطعه زمین صحرای دشت که دو جریب آن در متن مرقوم شده است که دو جریب از جمله سه جریب مرقوم شده است. نیز با ممار و مداخل جزو موقوفه شد که در معنی جزو وقف مرقوم است که وقف بر اولاد ذکور است. به طریق مرقوم تا واضح بوده باشد و صیغه جاری و سقوط نظارت جنابان معظمیها نیز شد که ناظر ابدا در کار نیست و حقی هم برای ناظر نیست. چون قلم خوردگی پیدا می نمود لهذا توضیح شد فی التاریخ المقرر آنکه چون سیزده قفیز از املاک مرقوم جزو صدق زوجة واقف مرقوم در متن بود لهذا مسمات مزبوره امضاء وقف مسطوره را نمودند بتاريخ ربیع المولود سنه ۱۳۲۰.



امهار و حواشی و قفنامه

لقد اعترف الواقف بما رقم فی المتن و الهامش لدی فی شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۱۹

[مهر:] المحتاج الی الله الغنی عبدالکریم^{۲۳}

بسم الله تبارک و تعالی

لقد جرت صیغة الوقف علی التفصیل المرقوم فی الورقة متناً وهامشاً فی ذی قعدة الحرام ۱۳۱۹.

[مهر:] علی بن ابوالقاسم الموسوی^{۲۴}

بسم الله تعالی شأنه

قد جرت صیغة الوقف علی التفصیل المرقوم متناً وهامشاً لدی فی ۱۲ ذیقعدة الحرام ۱۳۱۹.

[مهر:] العبد محمدباقر ابن عبدالحسین



هو

افر الواقف بتوفیق بما رقم فيه متن وهامش حتى التوضیح و التصریح باسقاط الناظرین لدى و
[... الاقل فی ثامن ذی العقده الحرام من سنه ۱۳۱۹

[مهر: محمد مهدی بن محمد جعفر الموسوی^{۲۵}

هو

ورقه مشاهده شد در کمال اعتبار است ۱۸ صفر ۱۲۸۱.

[مهر: عبدالراجی نورالله بن محمد باقر^{۲۶}

بسم الله الرحمن الرحيم

صیغه وقف اعیان مرقومه جاری شد و اقباض و قبض هم تحقق یافت بعد از خود جناب حاج حبیب الله مرقومه علیهم ؟؟؟ یکی است و خرج روضه خونی مبلغ سی تومان معین شد بدون کم و زیاد بی ناظر و حق النظاره اصلا در کار نیست. چنانچه در هامش توضیح شده و یک جریب توضیح هم صحیح است و مابقی صحیح و برقرار است فی حادی عشر شهر ذیقعدة الحرام و حرره العبد

[مهر اول: محمود بن جمال الدین موسوی^{۲۷}

[مهر دوم: ملا زین العابدین قاضی^{۲۸}

بسم الله الرحمن الرحيم

ورقه مرقومه به واسطه استناد بر مهر اعلام خوانسار و تصحیح مرحوم حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج آقا نورالله طاب ثراه و سایر اعلام در کمال صحت و اعتبار است.

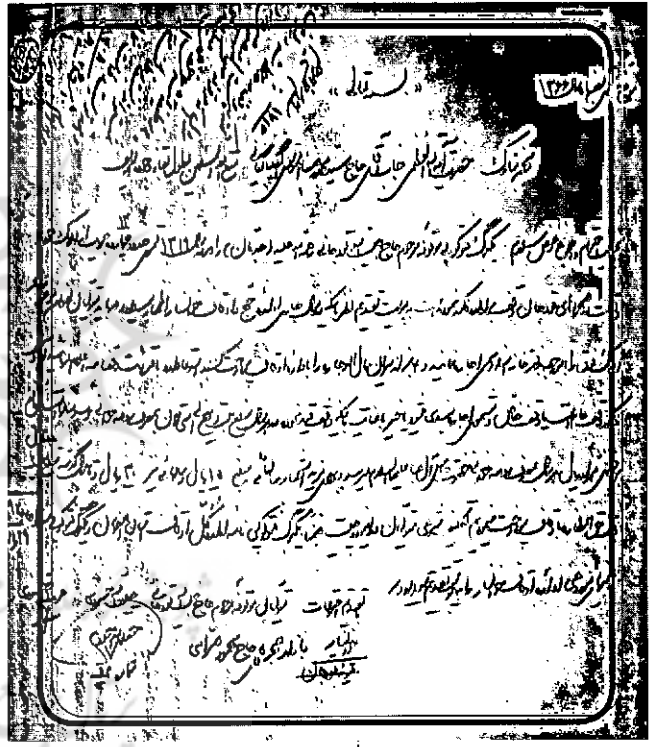
[مهر: امهدی^{۲۹} ... ذیقعدة الحرام ۱۳۷۳

بسم الله الرحمن الرحيم

ورقه وقفنامه که شهود آن از اجله مجتهدین خوانسار بودند مرحوم حجة الاسلام آقای آخوند ملا عبدالكريم و مرحوم حجة الاسلام آقای میرزا محمود آجمال و مرحوم حجة الاسلام آقای آسید علی مجتهد و مرحوم حجة الاسلام آقای میرزا محمد مهدی ثقة الاسلام

مرحوم آیت الله آقای حاج آقا نورالله اصفهانی رحمهم الله اعتبار آن را نوشته اند در کمال صحت و اعتبار است و مفاد و مداول آن هم همان نحوست که حضرت مستطاب حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج آقا حسین روحانی قودجانی دامت برکاته مرقوم فرموده اند و عمل بر طبق آن لازم الوقوف حسب مایوقفها اهلها و تغییر آن به هیچ وجه من الوجوه جایز نیست و کان ذالک فی ۷ ذیقعدة الحرام ۱۳۷۳

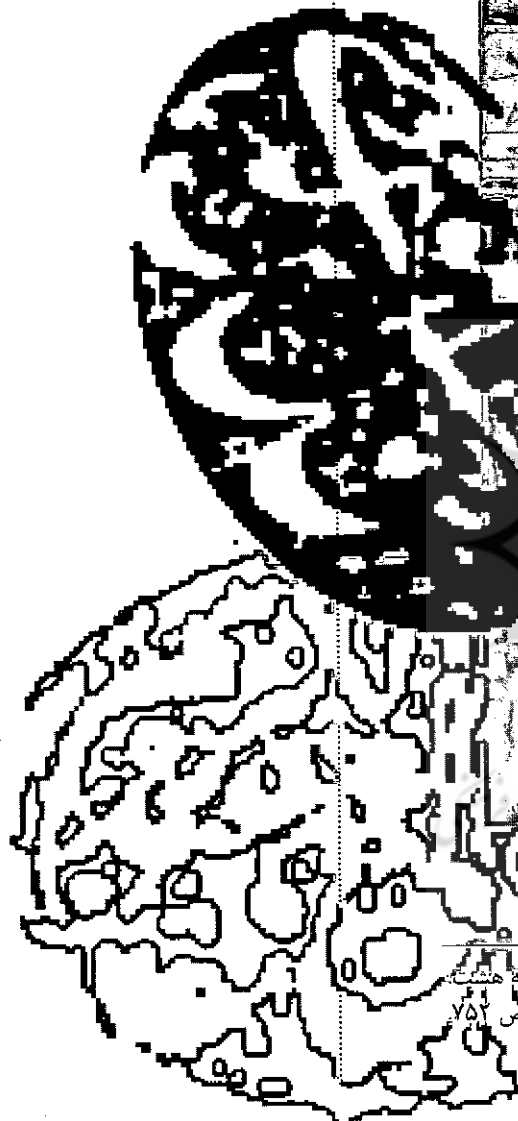
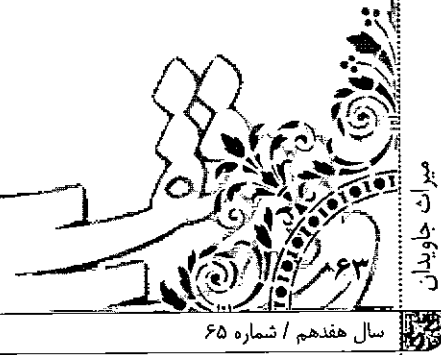
[من الاحقر مصطفى الحسيني الصقايي الخوانساري [مهر: مصطفى الحسيني^{۳۰}



بسم الله تعالى

الموقوف وقف بر اولاد ذکور است به ترتیبی که در ورقه مرقوم شده است و واضح است که وقف خاص است خصوصاً... وقف بر اولاد ذکور است و توهم اینکه وقف عام است واقع ندارد. پنج شهر ذیقعدة ۱۳۷۳ قمری حسین روحانی^{۳۱}

[مهر اول: احسین منی و انا من حسین ... حسین علی^{۳۲} ۱۳۷۳-۵۹۴



پی نوشت ها

۱. نتایج طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور ۱۳۷۵، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۷، صفحه هشتاد.
۲. دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ ۱۶، سال ۱۳۸۵، ص ۷۵۲.
۳. سوره زلزله آیه ۷.
۴. بخشی از آیه ۱۶۰ سوره انعام.
۵. حدیث قدسی.
۶. حدیث نبوی موسوم به حدیث نقلین.
۷. سوره نجم آیه ۳۹.
۸. سوره بقره بخشی از آیه ۲۶۲.
۹. سوره شعراء آیات ۸۸-۸۹.
۱۰. جریب رایج در قودجان برابر با ۱۳۸۰ مترمربع است.
۱۱. جاوان یکی از صحراهای مشهور قودجان است که زمین‌های حاصلخیز کشاورزی دارد.
۱۲. براساس سنگ‌نوشته وقفنامه مسجد جامع قودجان که تاریخ آن سال ۱۲۶۷ قمری می‌باشد مرحوم علامه العلماء الاعلام آقای حاج آقا حسین رحمة الله علیه پیش‌نماز مسجد جامع بوده است.
۱۳. مرحوم حاج محمدباقر رحمة الله علیه بر اساس وقفنامه سنگی مسجد جامع قودجانی بانی مسجد بوده و بخشی از املاک خود را وقف مسجد مزبور نموده است.
۱۴. قفیز در قودجان معادل ۱۳۸ مترمربع است به عبارتی جریب برابر ده قفیز است.

۱۵. صحرای دشت یکی از مناطق کشاورزی روستای قودجان است.
 ۱۶. یاور درجه نظامی که سابق در ارتش معمول بوده و به جای آن کلمه سرگرد برگزیده شد. (فرهنگ فارسی معین، ج ۴، ص ۵۲۴۸)

۱۷. جداران - جدار، جمع جد - جداران، دیوار (فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۱۲۱۷)
 ۱۸. مطروحه - انداخته شده، خراب شده، دور انداخته شده، احجار مطروحه، سنگ‌های خراب‌شده.
 ۱۹. مرحوم محمدحسین شفیع متخلص به «اختر» و ملقب به صدرالمشایخ از علما، ادبا، خوشنویسان و شاعران و خوشنویسی مهارتی تام داشته به گونه‌ای که در گفتن ماده تاریخ او را همپایه نصرآبادی و آتش اصفهانی دانسته‌اند. از نظر ادبی آثار پراکنده ایشان شامل اسناد و لویحی است که توسط وی به مناسبت‌های مختلفی همچون انشاء وقفنامه‌ها، اسناد مربوط به تقسیم آب انهار داخل شهر خوانسار، تنظیم اجاره‌نامه‌های موقوفات و غیره از ایشان به یادگار مانده است. انشاء وقفنامه حاضر نیز به قلم ایشان است. به مناسبت مقام شامخ روحانی و معنوی ایشان در بین مردم ظل السلطان در شعبان ۱۳۱۳ طی حکمی وی را به لقب صدرالمشایخ ملقب نموده است. مرحوم صدرالمشایخ در سنه ۱۳۳۶ هـ ق دار فانی را وداع گفت. ماده تاریخی در وفات خویش شروده است که یک بیت آن چنین است:

«رفتم چه با ولای علی فاش از جهان» ۱۳۳۶

۲۰. برج دلو ادوئیل - ماه بهمن سال گاو.

۲۱. سوره بقره آیه ۱۸۱.

۲۲. گیروانگه - girvanka مقدار وزن معادل یک فونت Fant روسی برابر با ۰/۴۱۰ کیلوگرم (فرهنگ فارسی معین، ج ۳، ص ۳۵۰۹)

۲۳. عبدالکریم - مرحوم آقا میرزا عبدالکریم خوانساری از علماء و فضلاء عصر خویش بوده است عمده تحصیلات ایشان در حوزه اصفهان بوده سپس به خوانسار آمده و در سال ۱۳۳۳ دار فانی را وداع گفته است. ماده تاریخ وفات ایشان را مرحوم افسر خوانساری چنین سروده است:

افسر اندر سال خویش گفت نیکو مصرعی

«واعی حق را زدل گفتمی بلی عبدالکریم» ۱۳۳۳

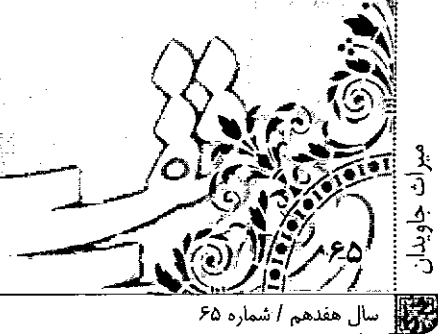
مقبره ایشان داخل بازار موسوم به دو راه است.

۲۴. علی بن ابوالقاسم الموسوی معروف به آقا سیدعلی مجتهد در سال ۱۲۵۲ق در خوانسار متولد شد پس طی مقدمات در خوانسار در حوزه اصفهان از محضر علامه شیخ محمدتقی معروف به آقا نجفی بهره برد و سپس در حوزه نجف از حضرت شیخ محمدباقر اصفهانی، آیت‌الله حاج سیدحسین کوه‌کمره‌ای سیره بود و پس از اخذ اجازات متعدد به خوانسار آمد و در نهم ربیع‌الاول ۱۳۳۷ دار فانی را وداع گفت.

۲۵. محمدمهدی بن محمدجعفر الموسوی معروف به محمدمهدی شهیدی (ثقه الاسلام) از علما و بزرگان عصر خویش بوده است. وی در سال ۱۲۶۳ در خوانسار متولد و در سال ۱۳۳۶ به دار آویخته شد. تحصیلات ایشان در اصفهان و نجف بود. و در سال ۱۳۳۶ در جریان قحطی بزرگ و توزیع گندم و نان از سوی ایشان و درگیری با بزرگان و سران بختیاری و احتکار گندم و مبارزه ایشان با این امر سرانجام با توطئه صمصام‌السلطنه و شکایت از ایشان به احمدشاه، احمدشاه که کم و بیش از خصومت بین مرحوم شهیدی و صمصام‌السلطنه مطلع بود طی تلگرافی خواستار ایشان در تهران جهت حل و فصل امور شد، اما بر اثر توطئه صمصام‌السلطنه مرحوم شهیدی به دار آویخته شد و به شهادت می‌رسد و سپس متن تلگراف تحویل می‌گردد.

جنازه مرحوم محمدمهدی شهیدی پس از ۹ سال به نجف اشرف حمل شود. حضرات آیات مرعشی نجفی و آقا ضیاءالدین عراقی هنگام تشییع و تدفین او سالم بودن جسد را مشاهده و تأیید می‌کنند که نظر آیت‌الله مرعشی در کتاب منابع المعارف درج شده است.

۲۶. نورالله بن محمدباقر - حضرت آیت‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی از علمای بزرگ اصفهان بوده است. حضرت آیت‌الله حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی در سال ۱۲۷۸ در اصفهان متولد و پس از طی تحصیلات علوم اسلامی رایج در اصفهان به نجف اشرف عزیمت نمود و درجه اجتهاد نایل آمد. وی در نیم قرن مبارزه از قیام تحریم تنباکو در اصفهان، مبارزه علیه کالاهای خارجی، فکر ایجاد بانک ملی، تأسیس بیمه‌استان



اسلامی، تأسیس یتیم‌خانه، تأسیس روزنامه، تأسیس انجمن صفاخانه (محل مناظره، با مبلغات مسیحی) و دهها فعالیت اجتماعی و فرهنگی از جمله اقدامات ایشان بود. همین سوابق باعث شد که نام وی به عنوان رئیس علما و آزادیخواهان اصفهان در مشروطیت مطرح و از طرف مراجع به عنوان یکی از پنج نفر مجتهد ناظر بر قوانین شرعی به مجلس معرفی شود. سرانجام وی در سال ۱۳۴۶ هـ.ق مطابق با ۱۳۰۶ هـ.ش در مهاجرت علما به قم در مبارزه بر علیه سلطنت رضاشاه در قم به شهادت رسید. جنازه وی به نجف منتقل و در مقبره جدش آیت‌الله کاشف الغطاء در نزدیکی بارگاه ملکوتی حضرت امام علی (ع) به خاک سپرده شد. منزل ایشان در اصفهان که از جمله آثار تاریخی این شهر است محل خانه مشروطیت اصفهان است.

۲۷. محمودبن جمال‌الدین موسوی از فضلا و علمای عصر خویش در خوانسار بود. تحصیلات ایشان عمدتاً در حوزه اصفهان بود و سپس به خوانسار آمد و تا پایان عمر در خوانسار به رتق و فتق امور مردم و جمعه و جماعت گذشته است. از ایشان چند رساله خطی در کتابخانه حوزه علمیه حضرت ولی عصر (عج) خوانسار موجود است. ظاهراً مرحوم آقامیرزا محمود در وادی‌السلام نجف مدفون است.

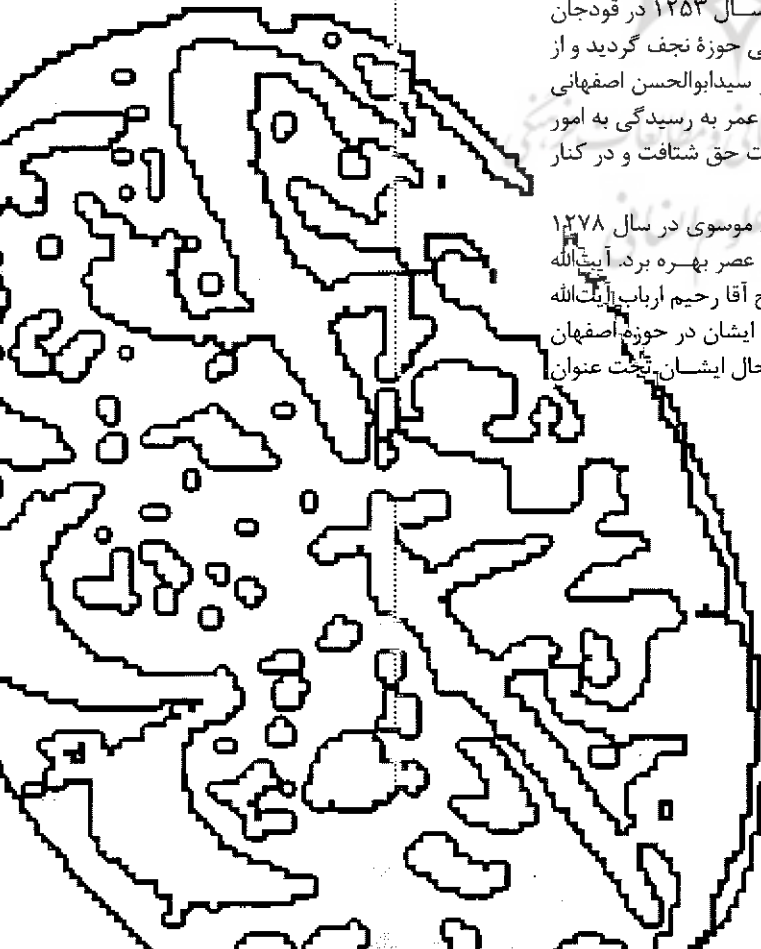
۲۸. ملا زین‌العابدین قاضی، فرزند ملا عبدالله قاضی از علما و فضلاء خوانسار بوده که تحصیلات حوزه خود را در حوزه اصفهان سپری نموده و از سوی آیت‌الله نائینی موفق به اخذ اجتهاد شده است. وی در مردادماه ۱۳۲۳ شمسی در سن ۹۴ سالگی در خوانسار دار فانی را وداع گفته است.

۲۹. خوانده نشد.

۳۰. مصطفی الحسینی، آیت‌الله سیدمصطفی صفایی خوانساری فرزند آیت‌الله سیداحمد صفایی در سال ۱۳۲۱ قمری در خوانسار متولد و تحصیلات خود را در خوانسار نزد پدر و دایی خود آغاز و در سال ۱۳۴۰ با تأسیس حوزه علمیه قم راهی حوزه قم شد و از محضر علمای بسیاری بهره برد. بر اثر علاقه شدید به حفظ، جمع‌آوری و احیای کتب شیعه موفق به تشکیل کتابخانه مهمی با ۱۵۰۰ نسخه خطی نفیس شد که پس از وفات ایشان به دستور مقام معظم رهبری کتابخانه یاد شده خریداری و به کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی انتقال یافت و کتاب‌های چاپی آن (۶۵۰۰ جلد) به کتابخانه حوزه علمیه قم اتصال یافت. مرحوم آیت‌الله سیدمصطفی حسینی صفایی در سال ۱۴۱۳ق به لقاءالله پیوست و در حرم حضرت معصومه به خاک سپرده شد.

۳۱. حسین روحانی - مرحوم آیت‌الله حاج آقا حسین روحانی قودجانی در سال ۱۲۵۳ در قودجان خوانسار متولد و پس از طی مقدمات راهی حوزه اصفهان شد و پس از چندی راهی حوزه نجف گردید و از محضر علماء بزرگی همچون آقا ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله محمدحسین نائینی و سیدابوالحسن اصفهانی بهره برد و موفق به دریافت اجازاتی از ایشان شد و به خوانسار بازگشت و تا پایان عمر به رسیدگی به امور مردم به ویژه دستگیری از فقرا سپری نمود و در اردیبهشت ۱۳۳۸ به جوار رحمت حق شتافت و در کنار مرقد میرکبیر به خاک سپرده شد.

۳۲. حسین علوی - آیت‌الله سیدحسین علوی فرزند آیت‌الله سیدمحمد مهدی موسوی در سال ۱۲۷۸ در خوانسار متولد و در حوزه علمیه اصفهان و نجف از محضر علمای بزرگ عصر بهره برد. آیت‌الله سیدمحمد باقر درچه‌ای، آقا میرمحمد صادق آقا سیدعلی نجف آبادی و حاج آقا رحیم ارباب آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله نائینی از جمله اساتید ایشان در حوزه اصفهان نجف بودند. مرحوم آیت‌الله علوی در سال ۱۳۶۸ دار فانی را وداع گفت. شرح حال ایشان تحت عنوان *فرزانه‌ای از خوانسار* منتشر شده است.





موقوفه حاج محمدباقر قودجانی

موقوفه مرحوم حاج محمدباقر قودجانی از جمله بزرگ‌ترین موقوفات موجود در شهرستان خوانسار است. این موقوفات در آبادی‌های «قودجان»، «تیدجان»، «کهرت»، «ارجنک»، «خشکرو»، «مهرآباد» و... واقع است.

از آثار خیر مرحوم محمدباقر قودجانی علاوه بر موقوفات متعدد موجود، بنای مسجد جامع آبادی قودجان است که در سال ۱۲۴۴ هـ ق بنا شده و طبق سنگ نوشته نصب شده بر در مسجد، موقوفاتی نیز بر آن قرار داده است. اقدام دیگر تعمیر اساسی پل موسوم به «ساسون» است که روی رودخانه خوانسار در مسیر خوانسار - گلپایگان قرار دارد.

آبادی تیدجان که موقوفه مورد بحث در آن واقع است از جمله آبادی‌های دهستان چشمه‌سار، شهرستان خوانسار در استان اصفهان است. تیدجان در ۵۰/۱۹ طول شرقی و ۳۳/۱۸ عرض شمالی و ۲۰۶۰ متر ارتفاع از سطح دریا قرار دارد. تیدجان در فاصله ۵ کیلومتری شهر خوانسار و ۱۵ کیلومتری شهر گلپایگان واقع است. موقوفه مرحوم حاج محمدباقر در روستای تیدجان حدود چهل جریب زمین مزروعی است که متأسفانه در حدود ۵۰ سال قبل توسط ملاکین بزرگ منطقه در اختیار کشاورزان قرار گرفته و به نحوی به فروش رفته و امروزه به عنوان موقوفه مطرح نیست. امید است انتشار صورت این وقفنامه در جهت اطلاع‌رسانی در زمینه وقفی بودن اراضی فوق باشد و موجبات بازگشت به وقف این اراضی را فراهم آورد. لازم به ذکر است که جریب موجود در آبادی تیدجان معادل ۱۴۰۰ مترمربع است. قفیز برابر با ۱۴۰ مترمربع است. قفیز را «کیله» نیز گویند. در واقع قفیز یا کیله معادل یک دهم جریب است. جریب را گاهی «گیری» نیز گویند.

صورت وقفنامه محمدباقر قودجانی

هو الفتح العلیم

بسم الله الرحمن الرحیم و له الحمد و به نستعین

الحمد لله الواقف علی الضمائر و المطلع علی السرائر و الصلوة و السلام خیر خلقه اشرف انبیاء محمد و آله شفعا خلقه من الاولین و الآخین لعنة الله علی اعدائهم اجمعین.

مفتاح هر سخن و مصباح هر انجمن حمد تو است، ای قادر ذوالمنن پس از آن درود بی پایان و نیاز فراوان بر سید انس و جان و خاتم پیغمبران و آل و اولاد امجاد او که واقفان مواریت شریعت و سالکان سالک حقیقت و طریقت او جان معارج حقیقت‌اند، افضل و اشرف آفرینندگانند. از اولین و آخرین و شفعاى مذنبین‌اند و یوم الدین صلوات الله علیهم اجمعین صلوة تملأ السموات و الارض. بعد چون توفیق ربانی شامل حال خیریت ایاب جناب محامد و مکارم‌انتساب کهب الحاج و المعتمدین حاج محمدباقر قودجانی خلف مرحمت و غفران‌مآب حاج زین‌العابدین طاب ثراه جهدالله و طلباً لمرضاته وقف مؤبد صحیح شرعی و حبس مخلص صریح شرعی نمود چند قطعه از املاک قنات قریه تیدجان مشهور به قنات دیک قریه قطعه از قنات پرک تیدجان که کلاً قریب چهل جریب متعارف محل است که قطعات مشهور است در محل به اسامی ۱۸ قفیز سرگلشن، ۱۴ قفیز دوازده‌گیری، ۲۲ قفیز

دوازده گیری، ۶۶ قفیز باغ حاج قاسم، ۱۴ قفیز باغ رباط، ۳۴ قفیز باغ ملک، ۱۷ قفیز باغ اسد، ۱۶ قفیز دوازده گیری، ۲۵ قفیز چهارباغ، ۹ قفیز سرگلشن، ۸ قفیز رستم بک، ۴ قفیز چهارباغ، ۹ قفیز چهارباغ، ۸ قفیز چهارباغ، ۱۵ قفیز برک تیدجان، ۶ قفیز جوب درذانه، ۳۵ قفیز نیستان، ۶۳ قفیز کنکار زیعلی اکبر، ۸ قفیز زُنکا رستم بک، ۱۵ قفیز چابونه، ۱۵ قفیز باغ آق زمان که عایدات املاک مرقومه همه ساله از تیدجان به مصرف تعزیه و روضه خوانی خامس آل عبا ارواحناله الفداء برسد ان شاء الله تعالی. تولیت املاک مزبور به جناب مستطاب شریعتمدار آقای حاج ملاقاسم تیدجانی واگذار گردید و بعد از مشارالیه به عالم متقی تیدجان و در صورت نبودن عالم مذکور با ارشد اولاد صالح حاج محمدباقر می باشد و مراتب بعد از توضیح عشر عواید متعلق است به تولیت موقوفه. مراتب مرقوم صحیح است محمدباقر بسم الله تعالی بعد ما امهرت الی الموکل اوقعت الصیغه الوقف مع الشرايط بالقبض والاقباض فی تاریخ ۱۲۹۴ [مهر:] المحتاج الی الله الغنی محمدالقاسم عن الواقف و المتولی و الحاکم الشرعی مشمله علی مالاید من الشرايط و الصحة القواعد الشرعیة جاری شد و قبض و اقباض در اعیان موقوفه به نحو شرعی به عمل آمد بعد ماسمعه فائما ائمه علی الذین یبدلونہ و کان وقوع الواقف المسطور علی الشرايط الشرعیة الصحیحة الازمه فی التاريخ یوم الثانی ربیع الاولی فی سنة ۱۲۹۴.

امہار و حواشی

بسمه تعالی اعترف بما فيه الاحقر محمدباقر بن حسن الموسوی [مهر:] محمدباقر بن حسن الموسوی

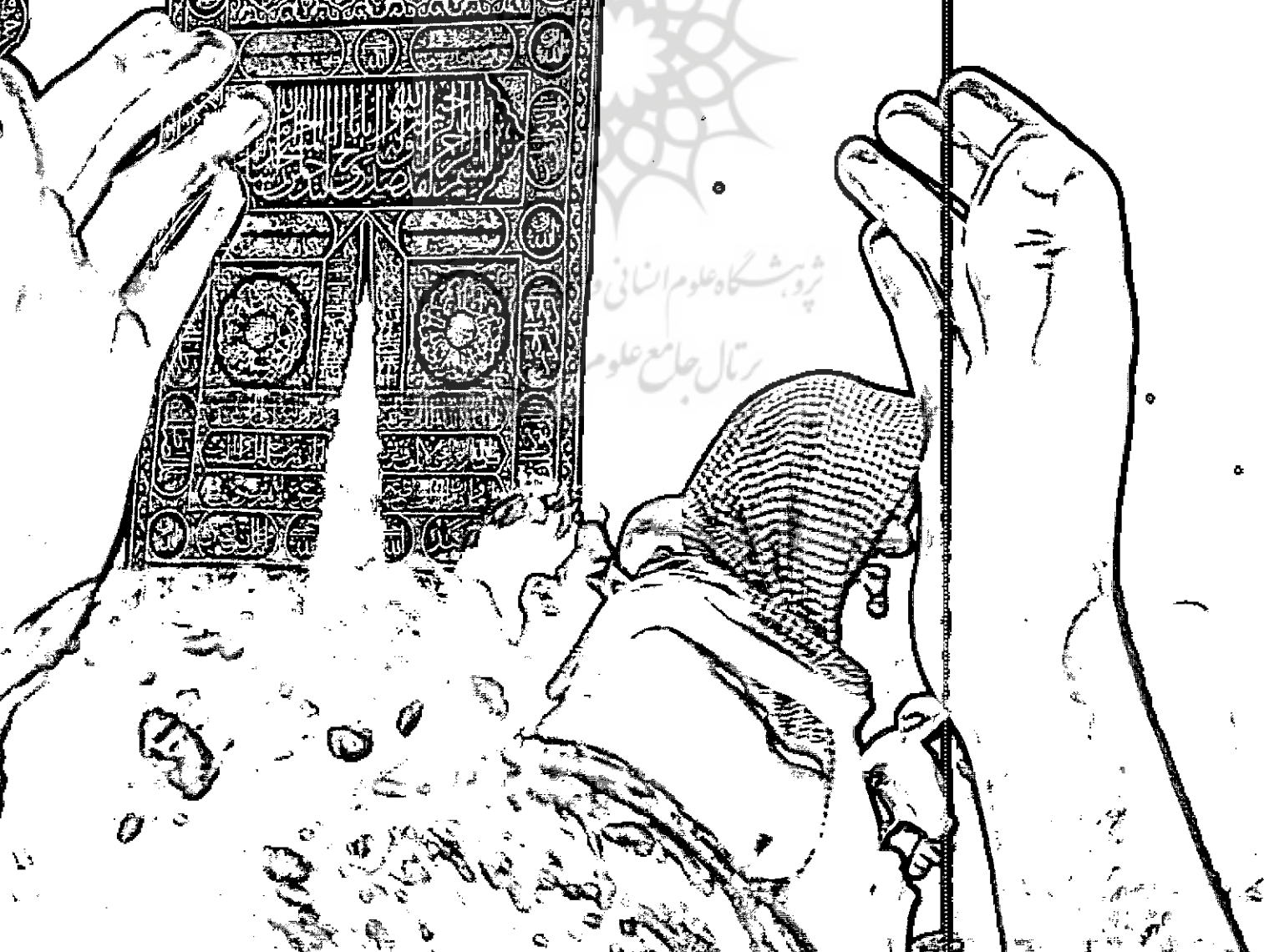
بسمه تعالی المحتاج الی الله الغنی محمدبن علی [مهر:] المحتاج الی الله الغنی محمد بسم الله الرحمن الرحیم اعترف بما فيه الرحمه الشرعیه [مهر:] محمدجواد الموسوی بسم الله الرحمن الرحیم عبدالمحتاج الی الهف الغنی العلیم حبیب الله [مهر:] حبیب اله اعترف الشرايط و صیغه الشرعیة [مهر:] رسول



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
وَعَلَّمَ الْاِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
وَعَلَّمَ الْاِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
وَعَلَّمَ الْاِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ



پوشگاه علوم انسانی
سال جامع علوم